

رئيس جمهور رشوتخور، مايه سرافگندگي ملت است!

روزدوشنبه ۹ دسامبر ۲۰۱۳، خبرگزاری رسمی ایران (ایرنا) دو عکس از کززی و همراهانش هنگام برگشت شان از تهران بدست نشر سپرده که در اکثر رسانه ها داخلی و خارجی انعکاس یافته، و برای بیننده بسیار سوال برانگیز و حیرت آور میباشد.



در این عکس ها دونفر از محافظان کززی با چند خریطه سفید برشانه های شان دیده میشود. بر مبنای سوابق موضوع پول گیری رئیس دفتر کززی از ایران، رسانه هاحدس میزنند که این کیسه ها حاوی پول گدانی کززی از دولت ایران است، ولی صاحب نظران بدین باوراند که این پولها، پول گدانی نیست بلکه این پولها مکافات لجاجت عاقبت نه اندیشاتانه کززی در بدل عدم امضای پیمان امنیتی با امریکاست که از طرف دولت ایران بشکل رسوا کننده و شرم آوری به کززی داده شده است. به دوعکس بالاتوجه کنید که یکی کززی را در حالت عذر وتضرع در مقابل یکی از مقامات ایرانی نشان میدهد و دیگری حمل خریطه های احتمالاً مملو از پول را توسط محافظان کززی حین برآمدن از دروازه (VIP) بسوی طیاره نشان میدهد. این عکسها به منظور خاصی گرفته شده و به نشر رسیده است تا اگر روزی کززی از دیکته رشوه دهنده سرپیچی کند، آنرا بر رخس بکشند و فضیحتش کنند.

اینست خجالت و سرافگندگی بزرگ تاریخی یک ملت مغرور که ابرقدرتها را در کشور خود به زانو در آورده است، ولی رئیس جمهور منتخب شان، گردنش را نزد یک مقام پائین تر از خودش بخاطر گرفتن یک یا دو میلیون دالر به حساب شخصی، پت کرده است. رئیس جمهوری که آینده کشورش را با بحران های مختلف سیاسی و اقتصادی و نظامی تا مرز نابودی روبرو کند، و کمک های میلیارد دلاری را که از سوی امریکا و جامعه جهانی در کنفرانس توکیو به مردم افغانستان و عده داده شده و سازمان دفاعی «ناتو» پرداخت آن کمک ها را در آینده منوط به امضای پیمان امنیتی با امریکا میداند ولی آقای رئیس جمهور مطابق دیکته دشمنان منافع علیای کشور آن را فدای منافع شخصی و تیم کاری خود میکند، آیا چنین رئیس جمهوری قابل تائید و حمایت است؟ هرگز نه!!

دپانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادښت: دلپکني د ليکنيزي بني پزوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرولو مخکي په خير و لولي

"کشوری که روی «پل صراط» ایستاده و با خطر غلتیدن در دوزخ هرج و مرج، یک مو فاصله دارد؛ کشوری که با هزار و یک مشکل روبرو است و بشدت از ناحیه نا امنی، بی ثباتی، فقر، بیکاری، تفرقه جوئی، تفوق طلبی های گروهی، قومی، مذهبی، سمتی، تنظیمی، زبانی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، فساد اداری و اختلاس و رشوه خوری و قاچاق موادمخدر و داشتن میلیونها انسان آواره، معیوب، معلول و معتاد و بیجا شده گان داخلی رنج می برد؛ کشوری که توان جلوگیری متجاوزان برکودکان خوردسال ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ساله را ندارد، کشوری که به اساس گزارش سازمان ملل متحد، از نظر فساد اداری و سایر تخلفات اخلاقی و اجتماعی، از تمام کشورهای جهان بدنام تر است، رئیس جمهور آن به جای آنکه برای نجات کشور از این همه مصیبتها و بدختی ها با امضای پیمان امنیتی با یک ابرقدرت جهانی (امریکا)، ثبات آینده کشور را تضمین کند، در مقام مقابله با این ابرقدرت برخاسته و از امضای پیمانی که بخشی از پیمان استراتژیک است که قبلاً آنرا امضا نموده است و لویه جرگه مشورتی آنرا تائید کرده، به بهانه های واهی و با اتهامات تخریش کننده امریکا را توهین و در سخنرانیهای خود، آنرا کشور استعماری و غیر قابل دوستی و اعتماد معرفی میکند. میگویند آدم هوشیار طناب را آنقدر به شدت نمی کشد تا طرف مقابل به روی بخورد، زیرامی داند مردی که با دماغ داغ، طناب را پیوسته به سوی خود می کشد، حتماً به زمین میخورد.

ما در تاریخ افغانستان با رئیس جمهوری سروکار داریم که در عین حالی که خود را خیلی هوشیار میدانند، اما بطور نامشروع و «غیرقانونی» از سازمانهای استخباراتی کشور های خارجی پول میگیرند و طبعاً به خواسته های نامشروع آنان عمل میکنند. ما با رئیس جمهوری روبرو هستیم که بجای بازخواست از اخلاکگران امنیت و غاصبین ملکیت های عامه و دزدان میلیونها دالر از کمک های بین المللی به امر بازسازی و نوسازی کشور، و جلوگیری از خشونت علیه زنان که به طرز وحشیانه ای هر روز در گوشه و کنار کشور رخ میدهد، مملکت را به جولانگاه تروریستان و جنایتکاران و خاطیان و تجاوزگران و قاچاقچیان مواد مخدر تبدیل کرده؛ علی رغم آن که ملتش از گرسنه گی، بیکاری، بی عدالتی و نداشتن دولتمردانی صادق و عدالتخواه، فریاد می زند؛ خود را «شیرجنگل» تصور نموده، به بهانه های لایعنی، برای امتیاز گیری های خصوصی از امریکا، دست به بازی های سیاسی جنون آمیزی میزند.

برخی از مدافعین آماتور آقای کرزی مقیم اروپا، گرفتن خریطه های پول از یک کشور خارجی را با گرفتن کمک های جامعه بین المللی برای باز سازی افغانستان و رهائی مردم از بیکاری و فقر و آوارگی، یکسان تلقی مینمایند، غافل از اینکه کمک های بین المللی به حساب بیت المال و دارائی عامه و اریز میشود، ولی گرفتن خریطه های پول از یک کشور همسایه به منظور خاصی و در حساب خصوص کرزی و رئیس دفترش میریزد!!

روزنامه ۸ صبح زیر عنوان "مقصر کیست؟" مینویسد: "شکی نیست که دادن پول همواره در برابر توقعاتی است که برای دهنده پول قابل تصور است. از این رو پولی که از سوی «سی آی ای» [پاسازمان دیگر خارجی] به ارگ داده شده است، نیز نمی تواند بدون توقع باشد.

یکی از مهم ترین موضوعاتی که در رابطه به تقصیر ارگ از جهت گرفتن این پول متصور است، این است که این پول باعث شده است که ارگ ریاست جمهوری به عنوان دستگاهی که باید الگوی رفتار [قانونی] سایر ادارات کشور باشد، گرفتار نقض قانون شده است. این در حالیست که رییس جمهور مسوولیت دارد که از قانون اساسی افغانستان محافظت کند و نهاد ریاست جمهوری نیز باید در این راستا به رییس جمهور کمک شود....

این پول به این دلیل به ارگ ریاست جمهوری داده شده است که سرنوشت سیاسی افغانستان از ارگ رقم می خورد. از این رو این پول باید شامل خزانه شده و از طریق بودجه عمومی دوباره به مصرف می رسد. دیده می شود که در تعامل مستقیم و بدور از چشم همگانی که بین ارگ و «سی آی ای» صورت گرفته این اصل مهم نقض شده است....

گرفتن پول از شبکه های خارجی یکی از مسائلی است که در بسیاری از قوانین افغانستان بدان حساسیت نشان داده شده است. در برخی از قوانین تاکید شده است که احزاب سیاسی و یا کاندیداهای انتخاباتی نباید از منابع خارجی پول دریافت کنند. تاکید بر عدم دریافت پول از خارجی ها نشان می دهد که جامعه افغانستان نسبت به گرفتن پول از منابع خارجی خاطره و ذهنیت خوشی ندارد. اما پرسش این است که وقتی دیگران از گرفتن پول از منابع خارجی منع می شود، چرا ارگ ریاست جمهوری این کار را انجام می دهد. اگر قرار است پولی به افغانستان کمک شود، باید این کار بر اساس معیار های قانونی انجام شود. وقتی خارج از چوکات پول بین یک نهاد خارجی و یک نهاد اساسی افغانستان رد

و بدل می‌شود، شک و تردیدهایی را در خصوص میزان اهمیت دهی یکی از مهم ترین نهادهای ملی چون ارگ ریاست‌جمهوری به حاکمیت ملی ایجاد می‌کند." (۸ صبح: چهارشنبه ۱۱ ثور ۱۳۹۲)

تأثیرات سوء چنین پول گرفتن‌هایی را میتوان در عدم امضای پیمان امنیتی با آمریکا مشاهده کرد. معضله پیمان امنیتی با آمریکا و چانه زنی‌های حامدکرزی رئیس‌جمهور دولت اسلامی غرق در فساد و ارتشاء و اختلاس و غارت و چپاول دارائی‌های عامه و خصوصی و مصاب به بحران بی‌امنیتی و بی‌ثباتی، بی‌عدالتی و بی‌کاری و فقر استخوان سوز، مردم را دچار سردرگمی و دلهره و هراس بازگشت سالهای ۹۰ قرن گذشته نموده است. تئویر جرگه مشورتی، یکی از این چانه زنی‌های کرزی در برابر آمریکا، برای کسب امتیازات خصوصی رئیس‌جمهور به حساب می‌آید که برخلاف انتظار وی، امضای آن با اکثریت قاطع اعضای جرگه مشورتی مورد تأیید قرار گرفت.

مردم افغانستان، که جنگ تباهن‌کن سی و چندساله را پشت سر گذاشته اند، بخوبی میدانند که به پا ایستادن دوباره کشور، بدون کمک دولت‌های مقتدر غربی امکان پذیر نیست و چون کشورهای همسایه تلاش می‌ورزند تا آمریکا در همسایگی شان حضور نداشته باشد، و حضور آن کشور را در افغانستان، مصل و مانع برای تحقق اهداف خود می‌بینند، بنابراین توسط اجنت‌های خود سعی می‌ورزند تا علیه مفاد این پیمان تبلیغات زهر آگین نمایند و حامدکرزی را از عواقب امضای این پیمان بترسانند و او را مجبور به تعویل خواسته‌های ناروای خویش سازند.

از آنجایی که اعضای جرگه ۲۵۰۰ نفری متشکل از تمام اقشار و طبقات و اقوام کشور، با تقبل خطرات حیاتی بالاخره به این نتیجه رسیدند که امضا پیمان به نفع آینده کشور بمنظور جلوگیری از خطر جنگ داخلی و دست‌درازی‌ها و مداخلات همسایه‌های کشور است، و میتوان گفت جرگه تصمیمی درست گرفته است، بنابراین ما هم امضای این پیمان امنیتی را به نفع حال و آینده کشور تشخیص میدهم و از رئیس‌جمهور کشور توقع داریم تا این شانس را از مردم افغانستان دریغ نفرماید و با امضای آن، زمینه بازگشت ثبات و امنیت و کار یابی و سرمایه‌گذاری و کمک‌های بین‌المللی، خصوصاً آمریکا را برای کشور دردمند ما فراهم کند^(۱)، و بر دسایس دشمنان افغانستان چلیبا بکشد.

فضای رسانه‌های داخلی و خارجی می‌رساند که اکثریت مردم افغانستان از تحلیلگر و سیاستمدار و معلم و داکتر و شاگرد مکتب گرفته تا سران و رؤسای اقوام و روحانیون و صاحب‌نظران و مفسران مسایل سیاسی افغانستان، امضای موافقتنامه امنیتی را به نفع افغانستان تشخیص کرده و تشخیص میدهند، ولی جناب کرزی همان موضعی را اتخاذ کرده که طالبان و حزب اسلامی و اجنت‌های کشورهای صاحب‌غرض همسایه در داخل، آنرا اتخاذ کرده اند؟

روزنامه ۸ صبح به ارتباط موضع‌گیری رئیس‌جمهور در برابر آمریکا، در یک تحلیل عالمانه از قلم داکتر ملک ستیز - پژوهشگر امور بین‌المللی زیر عنوان «اگر رئیس‌جمهور برخلاف منافع ملی عمل کند» مینویسد: «بر بنیاد اصول و ارزش‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی، رهبران دولت‌ها مکلف‌اند اراده‌ی ملی شهروندان را تمثیل کنند. منافع ملی، اراده‌ی ملی و جغرافیای سیاسی، مقوله‌هایی‌اند که از دیدگاه حقوق بین‌الملل، دولت‌های ملی را مشروعیت می‌بخشند. این اصل، در اکثریت قوانین اساسی، بر بنیاد قوانین ملی، نیز آمده است. رهبران دولت‌ها که نظام سیاسی را در مناسبات بین‌المللی تمثیل می‌کنند، حامل و مجری مشروعیت نظام‌های ملی هستند؛ اما عملکردهای آنان در هر نوع نظامی، توسط میکانیزم‌های نظارتی و ارسایی می‌شوند. این میکانیزم‌ها، از سوی پارلمان‌ها (هر دو اتاق پارلمان)، دادگاه عالی و یا دادگاه قانون اساسی اعمال می‌شوند. در صورتی که رهبران سیاسی نظام، از منافع ملی تخطی کنند، این ساختارها آنان را سلب صلاحیت (Impeachment) می‌کنند. تاریخ نشان داده است که اتاق‌های پارلمان، بیشترینه با برگزاری نشست مشترک، رئیس‌جمهور را فرا می‌خوانند و رئیس‌جمهور، بر بنیاد تخطی از منافع ملی، سلب صلاحیت و سبب اعتماد می‌گردد. این میکانیزم، برای بار نخست در بریتانیای کبیر، در سده‌ی چهاردهم به‌کار رفت و به‌گونه‌ی فرسایشی، در مناسبات بین‌المللی نهادینه گردید. روسای جمهوری که به خودکامگی می‌گیرند، بیشتر از همه قربانی همین میکانیزم می‌گردند؛ نخست وزیرانی که برخلاف برنامه‌های ملی عمل می‌کنند نیز در دام این میکانیزم گیر می‌آیند. از میکانیزم

۱- در سال ۲۰۱۲ میلادی در شهر توکیو جاپان بصورت مجموعی مبلغ ۱۶ میلیارد دلار برای مدت چهار سال آینده برای افغانستان تعهد داده شد و در مقابل آن کرزی مبارزه را بر ضد فساد که کشورش در سطح جهان به صفت قهرمان فساد و مواد مخدر رشناخته شده است، وعده نمود. روزنامه هشت صبح کابل بتاريخ ۹ جولای سال ۲۰۱۲ توضیح نمود. " اگر تمامی مفسدین و خائنین به محکمه کشانیده میشدند در حقیقت ما دیگر حکومتی نداشته نمی‌بودیم " کرزی به تعداد ۱۱۰ جنگسالار، جنایتکاران جنگی و قاچاقبران هیروئین را به حیث مشاورین در اطراف خویش جمع آوری نموده که هر کدام از آنها ماهواره مبلغ ۵۰۰۰ دلار امریکایی معاش دارد. (رک:مقاله، بعد از خروج اشغالگران، کشتن افغان توسط افغان، ترجمه دکتور شفیق الله انوری، سایت آریانی، بخش سیاسی ۵ دسمبر ۲۰۱۳)

«سلب صلاحیت»، در کشورهای اتریش، ایتالیا، بلغاریا، برازیل، روسیه، رومانی و کشورهای زیاد دیگر استفاده می‌شود. سلب صلاحیت بنی صدر، نخستین رییس‌جمهور ایران، در سال ۱۹۸۱ توسط مجلس، و یا سلب صلاحیت گورباچف در سال ۱۹۹۳ در اتحاد شوروی، از بهترین نمونه های این میکانیزم در کشورهای همسایه به حساب می‌آیند. تجارب جامعه‌ی بین‌المللی نشان می‌دهد که بهره‌جستن از میکانیزم «Impeachment»، فرهنگ مسوولیت پذیری رهبران سیاسی را به صورت کُل تقویت می‌بخشد و «برائت از قوانین» را در برابر رهبران، به محدود ترین میزان تقلیل می‌بخشد. پژوهشگران حقوقی به این باور هستند که این میکانیزم، نه تنها بهترین وسیله‌ی فشار و نظارت از منافع ملی است، بل زمینه حاکمیت قانون را در جامعه نیز تقویت می‌بخشد. در جوامع دموکراتیک، پارلمان‌ها، در حمایت جامعه مدنی و احزاب سیاسی از این میکانیزم استفاده می‌برند تا سازوکار «Impeachment»، مشروعیت لازمی را با خود داشته باشد. زمانی‌که رییس‌جمهور قرغزستان، عسگر آقایف، در سال ۲۰۰۵ مورد «Impeachment» پارلمان این کشور قرار گرفت، مردم و جامعه‌ی مدنی نیز از این روند حمایت کردند. آقایف با این فیصله مخالفت کرد و این مخالفت، موجب انقلابی اجتماعی گردید که در نتیجه، وی مجبور به ترک حاکمیت شد. و اما در افغانستان، این میکانیزم پیشینه‌ای ندارد؛ دلیلش هم این است که از یکسو، ما نهادهای دموکراتیک نداریم و از سوی دیگر، این‌جا قانون حاکمیت ندارد.

کمیسون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، دادگاه عالی و حتا شورای ملی، در چنبره حاکمیت رییس‌جمهور محصور گردیده‌اند و استفاده از این میکانیزم محدود شده است. واقعیت تلخ دیگر این است که فساد گسترده اداری، راه را برای حساب دهی خیلی باریک گردانیده است، فسادپیشگان رشد می‌کنند و هیچ دلیلی را برای حساب‌دهی نمی‌بینند و سرانجام این‌که، در نظام حقوقی ما، فرهنگ «Impeachment» خیلی‌ها ناآشنا است و حتا اعضای شورای ملی اهمیت آن را نمی‌دانند." (۸ صبح/ چهارشنبه ۱۳ قوس ۱۳۹۲)

با تائید از تحلیل این نویسنده دانشمند افغان، بجا خواهد بود اگر گفته شود: هر که از امضای این سند حمایت نماید، به امریکا خدمت میکند. نه خیر اینچنین نیست، مردم افغانستان دگر امروز خیر و شر خود را بهتر از هر دایه‌ی مهربان تر از مادر میدانند و بنابراین در لویه جرگه مشورتی با اکثریت قاطع اعلام داشتند که رئیس‌جمهور باید پیمان امنیتی با امریکا را ظرف یک ماه آینده امضا کند، در غیر آن با خروج نیروهای خارجی از کشور، افغانستان نه تنها یک فرصت طلائی گرفتن میلیاردها دالر کمک برای توسعه و انکشاف و رفاه عمومی را از دست خواهد داد، بلکه زمینه یک جنگ داخلی را از اثر مداخلات همسایه‌ها فراهم کرده مردم افغانستان را با مصیبت بزرگ جنگ‌های سالهای ۹۰ قرن گذشته روبرو خواهد ساخت.

جیمز دوبینز، نماینده ایالات متحده امریکا برای افغانستان و پاکستان به کانگرس گفته است: «قضایوت من این است که با نبود سربازان (در افغانستان) کمکی وجود نخواهد داشت، یا تقریباً وجود نخواهد داشت.» سال گذشته ایالات متحده امریکا و کشورهای کمک کننده به افغانستان وعده کردند که ۱۶ میلیارد دالر به افغانستان بعد از سال ۲۰۱۵ کمک می‌کنند که دست کم نصف آن از طریق حکومت افغانستان کارسازی خواهد شد. پس از سرنگونی حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱، ایالات متحده امریکا ۸۸ میلیارد دالر به افغانستان کمک کرده است که این کمک‌ها شامل هزینه نظامی نمی‌باشد. (اخبار افغان جرمن آنلاین به حواله‌ی دوچیه وبله)

خودداری رییس‌جمهور از امضای این قرارداد، بی‌پروایی به منافع ملی و بی‌احترامی به خون ۳۳ تن شهید و مجروح بیگناه دوزخ پیش از تدویر لویه جرگه و آرای ۲۵۰۰ عضو لویه‌جرگه و افکار عامه خواهد بود. بدون تردید امضاء این پیمان شرایطی را برای دولت افغانستان فراهم خواهد نمود که با استفاده از آن می‌تواند در برابر دسایس دشمنان این مرز و بوم با توانمندی بیشتر مقابله نموده و آرامش جانی و روانی مردم را تامین نماید.

پایان